

#### اخبار فرهنگی

**قائم مقام وز بر گردشگری:**

**ایران به رتبه چهارم**

**میراث ناملموس جهان ارتقا یافت**



قائم مقام و معاون وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: جایگاه ایران در میراث ناملموس جهانی با ثبت پرونده‌های متعدد در سال جاری، برای نخستین بار به رتبه چهارم ارتقا یافت. علی‌داریابی در حاشیه سفر به شوش در گفت و گو با ایرنا با اشاره به ثبت جهانی هگمتانه طی ماه‌های اخیر، افزود: جایگاه ایران در میراث ملموس و طبیعی نیز با ۲۸ پرونده در میان ۱۰ کشور نخست دنیا قرار دارد. وی با اشاره به بازدید خود از موزه بزرگ و منطقه‌ای خوزستان در اهواز اظهار کرد: تکمیل این موزه نیازمند تامین اعتبار است که تخصیص بودجه ملی و استانی برای تسریع در تکمیل این موزه مهم در دستور کار قرار دارد. دارایی همچنین با اشاره به بازدید از چغازنبیل شوش و سازه‌های آبی شوشتر افزود: برای این ۲ اثر تاریخی برجسته و ممتاز نیز تامین بودجه و اعتبار برای مرمت و نگهداری به عنوان اولویت در سال آینده پیگیری می‌شود.

عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم:

**نمی‌دانم این سخت‌گیری‌ها برای مرضیه برومند و رضا بابک برای چیست؟**

عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، گفت: من نمی‌دانم این سخت‌گیری‌ها برای چه دهن‌مندا با سن بالا برای چیست؟ چرا نباید چشم‌پوشی شود؟ برای من هم خیلی سؤال است و این چه دستی است که می‌خواهد هنرمند را از کشور اخراج کند. حالا که این پیرمرد دستت داد عرش خدا به لرزه در می‌آید؟ محمدتقی فاضل‌میبدی، در گفت‌وگو با «انتخاب» افزود: در سن بالا که قصد ریه و شهوت در کار نیست، دست دادن با نامحرم مشکلی ندارد. خیلی از فقها از جمله آیت الله البروجردی به نمایندند خود در مصر اجازه داده بود که اگر خانم خارجی دست دراز کرد، شما دست دهید. اینکه یک خانم محترمی به شما دست می‌دهد و دست ندادن شما بی‌احترامی باشد، دست دادن اشکالی ندارد. دست دادن دو آدم با سن بالا به قصد احترام اشکال ندارد. وی در رابطه با نظر فقهی نسبت به بر خورد احمدی نژاد با مادر دو هوسو چاوز بیان کرد: چون احمدی نژاد از خودشان بود اشکال نداشت مادر چاوز را بابل کند. این‌ها می‌خواهند جناحی بر خودر کنند. قوه قضاییه باید دنبال پوششی خلاف باشد. یک ساله‌ای جزئی را نباید در رسانه‌ها برای دو آدم با سن بالا به عنوان جرم مطرح کنیم. این کارها به ضرر نظام است و کینه‌درست می‌شود. با این کارها هنرمند کشور را رها می‌کند و می‌رود.

طراح بازی‌های رایانه‌ای بیرجندی:

**کتاب را همراه بازی**

**برای کودکان ترویج می‌کنیم**



بازی با کتاب هم آشنا شوند. مصطفی نظری از تجربه‌های خود در مسیر بازی‌سازی و ورود به هشتنواره بازی‌های رایانه‌ای فجر از بیرجند در گفت‌وگو با خبرنگار ایرا اظهار داشت: یادگیری بازی‌سازی را از دوران دبیرستان شروع کردم و از دوران دانشگاه به صورت حرفه‌ای تر وارد این حوزه شدم. استودیو «بازی‌سازی هیج» را در سال ۱۴۰۰ راه‌اندازی کردیم و اولین محصول ما یک کتاب-بازی برای کودکان ۸ تا ۱۰ سال بود که ترکیبی از خواندن و بازی کردن را ارائه می‌داد. پس از آن، بازی‌های دیگری را توسعه دادیم که بزرگ‌ترین آن‌ها، بازی «شبافروز» است که به جشنواره‌ها رسال شده است. نظری در ادامه گفت: ما اهل خراسان جنوبی، شهر بیرجند هستیم و تیم ما در کنار یک استودیو انیمیشن (پویانمایی) شکل گرفته است. طراحی و توسعه بازی را به‌صورت اختصاصی انجام می‌دهیم و تیم اصلی ما سه تا چهار نفره است، اما در کنار ما، استودیوهای انیمیشن و صداگذاری نیز همکاری دارند.

**مدیر پایگاه ملی ری: تپه‌های ۳۰۰۰ ساله «کهریزک» محو شده‌اند!**



مدیر پایگاه ملی ری گفت: تپه‌های سه هزار ساله کهریزک با وجود آن‌که در فهرست میراث ملی ایران ثبت شده است، اما در اسناد طرح تفصیلی و طرح جامع هیچ اثری از آن‌ها نیست و در کمال ناباوری حذف شده‌اند. قدیر افروند در گفت‌وگو با ایسنا درباره وضعیت برج‌ن این محوطه باستانی که قدمت آن براساس یافته‌های باستان‌شناسی به هزاره اول پیش از میلاد می‌رسد، هشدار داد و اظهار کرد: در طرح تفصیلی و جامع شهر کهریزک، به شماره ۱۹۰/۶۶/۲۰۱۲ که ۱۵ مردادماه ۱۳۹۵ ابلاغ شد و همچنین در طرح تفصیلی جدید که ۹۸ ابلاغ شد، هیچ‌یک نام و نشانی از تپه‌های باستانی کهریزک ندارند. با وجود اینکه این تپه‌ها سال ۱۳۶۵ در فهرست میراث ملی ایران ثبت شده‌اند اما بدون توجه به آن، تمام عرصه و حریم تپه‌های کهریزک را تا جایی که توانستند ساخت‌ها، تکیه‌ک کرده‌اند، فروخته‌اند و تغییر کاربری کرده‌اند.

**نگاهی انتقادی به آثار منتخب جشنواره چهل و سوم؛**

## فیلم‌های اجتماعی جشنواره فجر چگونه بودند؟



محمد تقی‌زاده

در این گزارش سعی شده ۷ فیلم مهم سینمای اجتماعی که تا روز پنجم در سالن رسانه‌ها اکران شده‌بودند از لحاظ ساختار و فضای اراماتیک مورد تحلیل قرار گیرد:

#### آیستن و تقلیداز سینمای فرهادی و مکرری

آیستن قرار است یک فیلم اجتماعی باشد و درباره معضلات جامعه معاصر حرف بزند اما مدیوم سینما را اشتباه گرفته و آنقدر ناله و بدبختی بر سر مخاطب آوار می‌کند که مشخص می‌شود چرا برخی مسئولان سینمایی و جناح‌های تندرو سیاسی، سینماگران را به سیاه‌نمایی متهم می‌کنند.

مشکل دیگر آیستن، تکنیک‌زدگی است. تکنیک اگر در خدمت مضمون و داستان فیلم نباشد، پیش‌پزی نمی‌ارزد. حالا شما کل فیلم یک ساعت و خرده‌ای را پلان سکانس بر گزاز کن! چه فایده دارد؟ پلان سکانس وقتی معنا دارد که کار کرد دراماتیک در خدمت قصه فیلم داشته باشد؛ و گرنه به پزی می‌ماند که قرار است تماشاگر بینو را مرعوب کند و همچون شعبده‌بازی با دروغ‌گویی کاستی‌های خود را توجیه کند. برادران تنابنده در این دیالوگ‌نویسی و چالش‌های دراماتیک داستانی را از اصغر فرهادی وام گرفته‌اند؛ تقلیدهایی که به بدترین شکل اعمال و اجرا شده‌بودند.

#### رها و سینمای اجتماعی فرهادی

رها به عنوان یکی از آثار اجتماعی جشنواره چهل و سوم که جایش در اکران این روزهای سینمای کم‌دین‌ده ایران خالی، فیلمی قابل احترام است که سعی دارد قصه جمع و جور یک خانواده ضعیف در ایران معاصر را روایت کند. رها ۲ مشکل در روایت‌گری داستانی خود دارد: نخست اینکه به‌طور فراینده‌واضافی سعی دارد اجتماعی باشد و از نگرانی‌های معیشتی مردم بگوید حال آن‌که به‌طور قطع سینما جای بیانیه‌دادن نیست و می‌بایست زمینه‌های این تمهیدات فراهم و مهیا باشد.

#### گزارش تئاتر

**درباره نمایش «ژاک یا تسلیم» به کارگردانی بهمن معتمدیان**

### به صحنه آوردن وضعیت جنگ خانوادگی



محمدحسن خدایی

موقعیت جنگی که اوژن یونسکودر نمایشنامه «ژاک یا تسلیم» خلق کرده به واقع عجیب و به طرز باور نکردنی پیش‌یافته‌است. انتظار یک خانواده به اصطلاح خوش‌بخت طبقه متوسطی از پسرشان «ژاک» برای پذیرفتن درخواست‌هایی نامعمول و تن دادن به ازدواجی که معیارهایش نه کرامت انسانی که مبتنی است بر امور مسخره‌ای چون تعداد دماغ‌های عروس و میزان زشت‌بودگی از بن‌مایه‌های اصلی نمایشنامه یونسکوبوده و قرار است وجه بارادو کسیکال شخصیت‌ها در جهانی این چنین به‌فنا رفته‌بازتاب دهد. ژاک با بازی متفاوت علی‌فرزان، از همان ابتدابر روی صندلی نشسته و غرق در عوالم شخصی خویش با هذفون در حال گوش دادن به موسیقی است. او با اندوهی در چهره و دلزدگی در باطن، از بودن در وضعیتی چنین تحمل‌ناپذیر ناخرسند است و ترجیح داده با کناره‌گیری از جهان علیه هجوم نیروهای سرکوبگر خانوادگی، کنشی فعالانه اتخاذ کرده‌ودر حد توان مقاومت کند. ژاک را می‌توان پسر درون‌گرا و انزواطلب دانست که با تعغافل بر صندلی خویش لم داده و خیره به چشم‌انداز روبرو و گرفتار بهت ابدی است. پسر که در چنبره‌اعضای خانواده در ترجیح داده به درون خویش پناه برده و فضای ملال‌انگیز خانه را به دست فراموشی بسپارد. بنابراین در رابطه با ژاک می‌توان گفت که چندان شبیه آدم‌های دلک‌ماب یونسکویی نیست و زست‌ها و اطوارهایش تصادی حل‌ناشدنی با بقیه شخصیت‌ها دارد. سیاست اجرایی کارگردان تأکید بر همین تضاد و حشتن‌ک مابین کیفیت حضور ژاک و شخصیت‌های دیگر است.

زربن کوب با وجود تلاش‌هایی که برای پیشبرد داستان زوج فرخی و محمود داشته، نتوانسته فیلمی همراه‌کننده و عمیق‌بانگاه خود بسازد که ریشه اصلی آن بیشتر در کارگردانی فیلم‌نامه‌است.

زربن کوب امتیاز بسدی در کارگردانی نمی‌گیرد چرا که توانسته دلهره و تعلیق را در لحظاتی به تماشاگر منتقل کند و این حس برانگیزی را به تصویر درآورد، بخصوص آنکه ۲ بازیگر فیلم بخصوص رضا بابک در خشان هستند و به راحتی می‌توان آنها را نامزد بهترین بازیگر مرد جشنواره دانست.

#### «دست تنها» و

#### سینمای ناب اجتماعی

سینمای «مهرتقفی» «سینمای خاصی است که طرفداران خود را دارد. سینمایی که مشابه چندانی ندارد و همین خود می‌تواند بزرگ‌ترین امتیاز فیلم در مسیر استقبال مخاطبان هدف‌از این کار باشد.

خلاصه‌داستان فیلم دست‌تنها آمده‌است: دومرد خیابان‌گرد در پی زج‌ات زنی شهر را جست‌وجو می‌کنند. داستان این فیلم پس از نمایش در جشنواره فجر، به‌روزرسانی می‌شود. امیر تقفی حالا و پس از ساخت ۵ فیلم سینمایی، کارگردان باتجربه‌ای در سینمای ایران محسوب می‌شود. او بیش از هر چیز به سبب نگاه متفاوتش به‌مدیوم سینما شناخته می‌شود. آثار او ارتباط چندانی با جریان فیلم‌های اجتماعی و قصه‌گو در سینمای ایران ندارند. تقفی این موضوع را از همان نخستین فیلم خود یعنی «مرگ کسبو کار من است» تاکنون دنبال کرده. «همه چیز برای فروش»، «روسی» و «کوچه ژانی‌ها» دیگر فیلم‌های بلند سینمایی او به‌شمار می‌روند. فیلم دست‌تنها در حال‌و‌هوای فیلم پیشین تقفی ساخته شده. او در این فیلم برای نخستین بار تهیه‌کنندگی در سینما را تجربه کرده و دیگر از نام پدر او یعنی علی‌اکبر تقفقی در تیتراژ این فیلم خبری نیست.

دست‌تنهای امیر تقفی در همه‌این چند فیلمی که ساخته‌شان داده که سینه‌فیل خوبی است ایده‌های خوبی برای کارگردانی دارد و در کل، بزرگ شده فضای فیلم و سینما است اما در عین حال، فیلمساز خوبی نیست یا بهتر بگوییم توانایی ساخت یک فیلم بلند سینمایی ندارد و بهتر بود اما فیلمسازی کوتاه‌را ادامه دهد.

دست تنها شروع خوبی دارد اما هر چی پیش میرود بدتر و بدتر میشود تا نهایت به یک سراشیبی سقوط میرسد که جزو بدترین آثار کارگردان عوامل‌اش میشود.

بازی خوب شکیب شجره پس از پیشبرد بهتری شود، شاید...



یونسکوا یں آدم‌ها فکر می‌کنند با رفتاری دکارتی و برپایه عقل سلیم در حال بسط مفاهمه و خلق هم‌پستی انسانی هستند اما شوربختانه چیزی که نصیب می‌برد موقعیتی است جنگ که به واقع نمی‌توان ادراکش کرد. در نمایشنامه «ژاک یا تسلیم» هم به نوعی این سرشت جانکاه بی‌معنایی نمود می‌یابد و فی‌المثل تلاش خانواده در ترغیب‌فرزند پسر در رابطه با دوست داشتن غذای چول سبب زمینه‌ساز است. عیان می‌شود که در ظاهر امر مورد قبول پسر قرار می‌گیرد اما در نهایت به مخالفت و ابراز انزجار بدل می‌شود. بهمن معتمدیان در مقام مترجم، طراح و کارگردان تلاش دارد فضای جنگ نمایشنامه را با رویکردی کمینه‌گرایانه آن چنان بازنمایی کند که تصادف‌های بشری بیش از پیش عیان شود. حتی از اشیایی که یونسکودر توضیح صحنه آورده خبر چندانی نیست و سالن استادانظمی خانه هنرمندان بیش از اندازه خالی و انتزاعی است. جالب آن‌که به‌غیر از ژاک بقیه‌اعضای خانواده لباس‌هایی بر تن دارند که موقعیت گروتسک آنان را آشکار کند و اتصالی باشد میان امر والا و امر مبتذل. فی‌الواقع لباس‌های متکلفانه خانواده در کتیب خلاف‌آمدی است از پارچه و کیسه زباله، رویکردی که میل آن دارد تناقضات اخلاقی آدم‌ها را به‌ظاهر شان هم انتقال داده و برپوچی حاکم بر حال و هوای اجرا صحنه بگذارد. همچنان که ششیه متفاوت است نوع پوششی که هم یکسان نیست. از قضا در هم‌آمیزی امر مبتذل با امر والا، تفسیری نمایشایی ساخته که مخاطبان را به وجد آورده و توانام منزجر می‌کند. بنابراین اجرا بیش از آن‌که از طریق کلام به نمایش مناسبات منبایخته آدم‌ها بپردازد تر جیح‌داده‌از امور عینی همچون لباس‌های عجیب و غریب استفاده کرده‌و بر زست‌های اغراق شده تأکید داشته‌باشد.

از نکات قابل اعتنای اجرا، بکارگیری مفهوم «زاجادرفتنگی» است. در طول نمایش جایگاه روایت از مدار خود بیرون زده و نظم منطقی خود را به تعلیق درمی‌آورد. به عنوان نمونه در یکی از صحنه‌شاهد هستیم که چگونه پدر بزرگ که فاقد توانایی سخن‌گفتن است ناگهان به کلام آمده و گفتاری سانساختار گرایانه در باب زبان، سؤزه‌گی و عاملیت سیاسی ارائه

داستان و تحول تصنعی و باورنکردنی، به بازی خشن بدل میشود و مجید مظفری هم‌تالانتها تحت تأثیر شمایل جدیدو جذاب خود غرق میشود.

#### «زیبا صدایم کن» و

#### یک ملودرام پدر دختری

داستان فیلم «زیبا صدایم کن» در خیابان ولی‌عصر تهران و در طول یک روز اتفاق می‌افتد در خلاصه‌داستان رسمی آن آمده‌است: «خسرو که در آسایشگاه روانی به‌اجبار بستری‌ست، تمام این سال‌ها را در فکر دخترش زیبا سپری کرده. امروز، روز تولد ۱۶ سالگی زیبا است و خسرو نمی‌خواهد از این روز ساده بگذرد...» رسول صدرعاملی، کارگردان برجسته سینمای ایران، پس از دوسال کار روی فیلم‌نامه، این اثر را برای نمایش در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر آماده کرده‌است.

در این فیلم، «امین حیایی» به همراه «ژولیت رضاعی» (باز بگر نوجوانی که برای نخستین بار جلوی دوربین حاضر می‌شود) نقش آفرینی می‌کنند. این فیلم با همکاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان و بنیاد سینمایی فارابی و کمپانی میلاد فیلم تولید شده و سیدمنا بار هاشمی تهیه‌کنندگی آن را بر عهده دارد.

«رسول صدرعاملی» که زمانی از بهترین ملودرام‌سازان سینمای ایران در دهه ۶۰ و ۷۰ محسوب میشود و مدت‌ها به ساخت فیلم‌های مرتبط با دختران نوجوان علاقه‌نشان میداد در پروژه جدید خود به سراغ یکی دیگر از این قصه‌ها رفته و داستان پدر دختری را روایت میکند که یک صبح تاشب قرار است با هم‌بگذرانند. زیبا صدایم کن شروع خوبی دارد، شخصیت‌ها رو خوب معرفی میکند، پدرانگی و بسازی امین حیایی به دل مینشیند داستان خوب پیش میرود تا اینکه روایت داستان به یکباره وارد سانی مالتالیسب شدید و غلیظی میشود که هر اتفاقی را ممکن میسازد و اینجاست که فیلم سقوط میکند.

سقوط آزاد فیلم از بی‌منطقی رفتارها و موقعیت‌ها شروع می‌شود پدر به راحتی اب خوردن موتور میبزدد، وارد کارگاه ساختمانی میشود و جرتقلیل هوایی را روشن میکند... تا جاییکه در انتها مشخص است که گویی فرمان از دست فیلمساز رها شده و وقوع هر اتفاقی در راستا و یابر خلاف مضامین داستان ممکن میشود. شاید با یک تدوین مجدد و کوتاه کردن بخش‌های انتهایی که آسیب بیشتری به فیلم زده، زیبا صدایم کن فیلم بهتری شود، شاید...